

## خاورمیانه در گذار به دموکراسی

### درباره ماهیت جنبش‌های اخیر خاورمیانه از منظر پدیدارشناسی

سرانجام تحولات سیاسی مصر منجر به کناره‌گیری حسنی مبارک رئیس‌جمهوری این کشور از قدرت شد، اما مطالبات ملت مصر پایان نیافته و مردم پیگیر خواسته‌های ملی خود هستند. آنان خواهان تغییرات بنیادین در ساختار قدرت در چارچوب اصلاح‌بندهایی از قانون اساسی، برگزاری انتخابات آزاد پارلمانی و انتخاب رئیس‌جمهوری در فضایی دموکراتیک و شفاف‌اند و نشان داده‌اند که در پی تحقیق خواسته‌های حق‌طلبانه خود با فداکاری و تا پای نثار جان ایستادگی می‌کنند.

حکومت مبارک پایانی بدفرجام داشت. دولت توسط حزب حاکم مصر در انتخابات پارلمانی نوامبر سال ۲۰۰۹ دست به تقلب آشکار در آرای مردم زد، فساد اداری و مالی دولتی در سال‌های اخیر به اوج خود رسید و سیاست سرکوب و فشار بر احزاب، روشنفکران و نویسندگان شدت یافت. به یاد دارم محمود درویش شاعر بزرگ معاصر عرب، پس از شکست اعراب از اسرائیل در سال ۱۹۶۷، در شعری به اسرائیلی‌ها نهیب زده بود که: "حذر کن از گرسنگیم، از خشمم". اما این اندرز به حاکمان اسرائیل محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند هر حکومتی را در برگیرد که چشم‌هایش باز است اما مردم را نمی‌بیند، گوش‌هایش باز است اما صدای مردم را نمی‌شنود، مشاعرش کار می‌کند اما درکی از خواسته‌ها و مطالبات مردم ندارد. رئیس‌جمهور مادام‌العمر مصر از مردم خود فاصله گرفته بود و می‌پنداشت حکومتش همانند اهرام سه‌گانه، دیرپا، استوار و پابرجا است.

او مردم مصر را دست کم گرفته بود و می‌پنداشت از او رضایت و نسبت به او اعتماد دارند. این همه سبب شد که خشم مردم همانند آتشفشانی فوران کند و به رهبر خویش با صدایی رسا و بلند "نه" بگوید. او از خشم مردم حذر نکرد و گرفتار دامی شد که خود بر سر راه خویش نهاد.

البته "نه گفتن" مردم به مثابه یک حق مسلم شهروندی، از تونس آغاز شد، در مصر اوج گرفت و اکنون امواج آن در الجزایر و یمن و... دامن گستر و در تلاطم است. جنبش مدنی خاورمیانه کم و بیش کشورهای دیگری را نیز در بر خواهد گرفت و مردم با پرسش‌ها و خواسته‌های نو به صحنه خواهند آمد تا به پاسخ‌های نو و شرایط جدید دست یابند.

کوشش من در این نوشتار، ارائه تصویری از چیستی جنبش‌های اخیر خاورمیانه با بهره‌گیری از روش پدیدارشناسی (phenomenology) است. جنبش خاورمیانه به ویژه آنچه در مصر می‌گذرد از چه ماهیتی

برخوردار است؟ نشانه‌های اصلی که ما را به شناخت دقیق این دگرگونی‌ها نزدیک می‌کنند، در نگرشی پدیدارشناسانه کدام‌اند؟ با مطالعه رخدادها و تحولات اخیر، پدیده‌های زیر ما را در درک واقع‌بینانه جنبش‌های مردم مدد می‌رسانند:

۱. در جنبش‌های اخیر، تنوع و تکثر افراد، اجتماع‌ها، احزاب، گروه‌ها و طبقات اجتماعی به چشم می‌خورد. در اجتماعات مردمی زن و مرد، پیر و جوان، کارمند و کارگر و سایه قشرهای اجتماعی در صحنه حضور یافته‌اند. پیروان ادیان مسلمان، مسیحی و یهودی و سایر کیش‌ها و آئین‌ها، دست در دست یکدیگر دارند. هیچ گروه یا طبقه پیشتازی، از جمع‌های صدها هزار نفری و میلیونی قابل تفکیک و تمیز نیست.

۲. جنبش‌ها بر مدار فلسفه عدم خشونت از سوی مردم شکل گرفته‌اند. عاملان خشونت، نیروهای سرکوب‌گر پلیس، لباس شخصی‌های حکومتی و اوباش فرصت طلب‌اند، نه متن مردم. نفی خشونت به شکل‌های زیبا و دل‌انگیزی به چشم می‌خورد: مردم به سلاح گرم و سرد مجهز نشده‌اند، مردم در شعارهای خویش خواهان "برکناری" و "رفتن" زین‌العابدین بن علی و حسنی مبارک بودند، شعار "مرگ بر..." در مورد کسی سر ندادند، به کشورهای همسایه و سایر حکومت‌های جهان "توهین" نکردند و به کسی فحش و ناسزا نثار نکردند. واکنش‌های دفاع شخصی و گروهی جوانان در برابر پلیس سرکوب‌گر، حاشیه‌ای بر متن مردم بود. اگرچه دفاع از خود، کاری اخلاقی و قانونی در مقابل سرکوبگران است، اما گرایش عمومی مردم در مدارا با آنان و صبر و بردباری در برابر مأموران مسلح پلیس بود، نه انتقام جویی و مقابله به مثل.

۳. مردم در عمل به نیروهای پلیس سرکوب‌گر نشان دادند که در راه نیل به خواسته‌های حق‌طلبانه و قانونی خویش تا پای جان ایستاده‌اند و با حکومت‌های خود کام و لجام گسیخته رودربایستی ندارند. شهیدان این جنبش‌ها با خون خویش راه دشوار آزادی، تغییر و دموکراسی را گشودند.

۴. ارتش در مصر با مردم خود رویارو نشد، مردم را هدف گلوله و باتوم قرار نداد و به خاک و خون نکشید. تانک‌ها به خیابان‌ها آمدند اما نه به قصد کشتار مردم. مردم در وضعیت اعلام حکومت نظامی، در پیشانی تانک‌ها شعار "مبارک باید کنار برود" را نگاهشتند، به تانک‌ها سوار شدند و در کنار تانک‌ها، در میدان تحریر، شب‌ها را به روز رساندند، بدون اینکه از جانب نظامیان آزاری ببینند. ارتش تاکنون نشان داده است که "ارتش مصر" است نه ارتش "حاکمیت مصر"، نه "ارتش مبارک". حاکمان می‌آیند و می‌روند. دولت‌ها تشکیل می‌شوند و فرومی‌پاشند. آنچه ماندگار است، سرزمین مصر، ملت مصر و نیروهای مسلح مصر است. در وضعیتی که رئیس‌جمهوری مصر و دولت مصر و پلیس مصر اعتبار خود را نزد مردم از دست داده بودند، یک نقطه اتکا در مصر باقی ماند و آن ارتش مصر بود که در اعتمادی متقابل با مردم،

قدرت سیاسی را بطور موقت در دست بگیرد و آن را در دوران گذار مصر از خودکامگی به دموکراسی، همانند امانتی به دست نمایندگان برگزیده مردم بسپارد. امیدوارم ارتش مصر، همانگونه که تاکنون با خردمندی و درایت عمل کرده است همچنان در کنار مردم خود بماند و از این آزمون بزرگ تاریخی، روسفید درآید.

۵. در مقایسه با رفتار ارتش ملی مصر با مردم، واکنش دولت مصر با اعتراض‌های قاطعانه شهروندان مصری در خور تأمل بسیار است. در اوج اعتراض‌های مردم در میدان تحریر قاهره، مبارک دوبار با ملت مصر سخن گفت. معاون او و نخست‌وزیر و سایر مقامات مصری نیز پیام فرستادند و موضع‌گیری کردند. اما آنان در سخنان خود، نه به ملت مصر توهین کردند، نه به بی‌خوفی و تحقیر آنان پرداختند و نه آنان را عوامل دشمن و تحریک شده از سوی قدرت‌های خارجی دانستند. رهبران مصر از هتک حرمت چهره‌های محبوب مصریان پرهیز کردند و نکوشیدند با حربه‌هایی مانند عوامل دشمن و تحریک‌شدگان سازمان‌های جاسوسی آمریکا، انگلیس و اسرائیل، پیشقراولان اعتراض و کوشندگان تغییر برای دموکراسی را از میدان به در کنند. جنبش مصر درس‌های زیادی به کشورهای خاورمیانه می‌آموزد. چگونگی واکنش حاکمان مصر با مطالبات و خواسته‌های ملت خود و ادبیاتی که در خلال این بحران از سوی حکومت و مردم به کار گرفته شد، به راستی درس آموز و عبرت‌انگیز است. بدیهی است که انگ‌ش‌ت نهادن به سطح اخلاق سیاسی در میان مصریان، به معنی فراموش کردن کوتاهی‌ها، تقصیرها و اشتباهات رهبران مصر نیست. جنبش مردم مصر، در ایستادگی تمام‌قد در برابر خودکامگی کسانی بود که بطور مادم‌العمر، قدرت سیاسی را ملک طلق خود می‌دانستند.

۶. جنبش‌های اخیر، فاقد رهبری واحد و معین است. این پدیده را می‌توان در کثرت‌گرایی حاکم بر ساخت اجتماعی تظاهرکنندگان جست‌وجو کرد که همه مردم با دیدگاه‌ها، دین‌ها، سنت‌ها و فرهنگ‌های گوناگون در بر می‌گیرد. جنبش‌های اخیر "یکدست" نیست که رهبری یکدست داشته باشد، درست عکس دوران انقلاب مصر به رهبری جمال عبدالناصر. روزگار "قهرمان‌ها" مدتی است که سپری شده است. هم‌اندیشی جمعی، همزیستی جمعی و همکنشی جمعی، اقتضای حرکت و کار دسته‌جمعی دارد. از این رو است که به جای عَلم شدن چهره ای یگانه، در سپهرسازی مصر و تونس، چهره‌های گوناگون به چشم می‌خورند. این رخداد، پدیده‌ای نو و هم‌نو با رشد کثرت‌گرایی فرهنگی و سیاسی در جهان امروز و نشانه‌ای مبارک و امیدبخش است؛ زیرا امکان رشد خودکامگی فردی را به حداقل می‌رساند و از تمرکز و فساد فزاینده قدرت جلوگیری می‌کند.

۷. از شعارهای شفاهی و کتبی مردم مصر، تونس، الجزایر و یمن برمی آید که آنان در پی تغییر تدریجی و بنیادین مناسبات قدرت در کشورهای خویش اند. اصرار مردم مصر به رفتن حسنی مبارک به معنی افشاء شدن و بی اعتبار شدن راه و رسم حکومت های مادام العمر است. مردم در مصر و تونس و یمن و الجزایر می گویند که باید مقام های حکومتی، کوتاه مدت و چرخشی باشد و نه تا دم مرگ. ایستادگی در کناره گیری مبارک به معنی به تنگ آمدن مردم از فساد هیأت حاکمه، اعم از سیاسی و اقتصادی و اداری بود. مبارک باید می رفت چرا که در انتخابات پارلمانی نوامبر سال گذشته تقلب کرده و در آرای مردم دست برده بود تا حزب حاکم، تمام قدرت را یکباره به کام خود بکشد و شعور مردم نجیب اما رشید مصر را به سُخره بگیرد. مردم در شعارهای خود خواستار امنیت، آزادی، استقلال، برابری، حکومت قانون، شفافیت و در یک کلمه دموکراسی اند. دموکراسی، روح و جوهر جنبش های اخیر در خاورمیانه است. دموکراسی که بیاید و به تدریج مستقر شود، جا را بر یکه تازی و ظلم و فساد و استبداد و تکاثر ثروت و تمرکز قدرت و مناصب مادام العمر تنگ می کند. در دموکراسی که مردم مصر و دیگر ملت های خاورمیانه خواستار آن اند - فصل الخطاب نه رهبران نه بلکه قانون است، نظام های سلطنتی در چارچوب انواع "جمهوری ها" باز تولید نمی شوند، رئیس کشور "قبله عالم" نیست، بلکه "خادم ملت" است.

۸. از یاد نبریم که مردم مصر، تونس، الجزایر، یمن و دیگر کشورهای عربی، اکثر آسلمان اند و به آداب و مناسک دینی خود التزام دارند. آنان در جنبش اخیر به نماز جمعه ایستادند و تلاوت قرآن را ترک نکردند. نگاه پدیدارشناسانه به ما نمی نمایاند که مردم این کشورها در عین تعلق به آب و خاک و سرزمین خویش، مسلمان و یا پیرو ادیان دیگراند و در عین دینداری، در جهان امروز زندگی می کنند و دوست دارند که دموکرات باشند. آنان در پی بازسازی کشورهایی هستند که بین دینداری و منش و مشی دموکراتیک، پیوند و تلاطم پدید آورند. تردیدی وجود ندارد که دین به عنوان وجهی از فرهنگ جامعه، در سیاست تأثیر می گذارد. پس حکومت های دینداران با حکومت های غیردینداران تفاوت هایی دارند که در این مقال جای بحث آن نیست. در هر حال "مصریان دیندار دموکرات" و "تونسیان دیندار دموکرات" سرنوشت سیاسی خویش را آرام آرام و به تدریج رقم خواهند زد. نشانه ها حاکی از آن است که مردم خواهان حکومت های ایدئولوژیک و پدر سالارانه نیستند، چرا که نمی خواهند با پای خود به چاه ویل نظام های استبدادی از هر نوع و لونی سقوط کنند. در میان مردم مصر، این آگاهی به چشم می خورد که در حکومت آینده مصر از دین استفاده ابزاری نشود و اسلام ملعبه دست اهل سیاست قرار نگیرد. میراث گراسنگ فکری سیدجمال الدین اسدآبادی، محمد عبده، عبدالرحمن کواکبی، طه حسین و بسیار دیگر، تکیه گاه نواندیش دینی در میان اندیشه وران، روشنفکران و بزرگان سیاسی مصر است. آنان به خوبی می دانند که راه حفظ مرتبه و مقام

دین و سیاست، در تفکیک نهادهای دینی از قدرت سیاسی است، اگر چه —همانگونه که گذشت— در حکومت دینداران، سیاست از دین تأثیر می‌پذیرد. در هنگام اوج‌گیری جنبش ملی مصر، رهبری اخوان المسلمین به عنوان باسابقه‌ترین، سازمان یافته‌ترین و مهمترین حزب اسلام‌گرای مصر، با بیانی صریح و بدون ابهام، بر دیدگاه ذکره شده تأکید گذارد و بدین سان عقلانیت سیاسی، میهن دوستی و باور ایمانی خویش را به اسلام نشان داد.

۹. این فرهنگ دموکراتیک که از آن به اختصار یاد کردیم، روز به روز بیشتر، گسترده‌تر و ژرف‌تر در میان ملت‌های خاورمیانه رسوخ و نفوذ می‌کند. مردم کم‌کم در می‌یابند که از رهگذر پذیرش ظرفیت‌های مثال‌زدنی دموکراسی، می‌توانند از ظلم و فساد و خودکامگی‌های یابند، توانایی‌ها و ظرفیت‌های خویش را به منصفه ظهور برسانند، مستقل‌تر، عادلانه‌تر، مرفه‌تر و اخلاقی‌تر زندگی کنند، به یکدیگر احترام بگذارند، موانع را با مشاورت و مشارکت از سر راه بردارند و در اوقات عبادت، به خدا نزدیک و از متافیزیک لبریز شوند. این سیر و گذر انسانی و مداوم، مدیون انقلاب ارتباطات و انفجار اطلاعات در جهان امروز است. در مصر و تونس و دیگر کشورهای که جنبش مدنی اکنون جریان دارد، ارتباطات اینترنتی و ماهواره‌ای، به اجتماع‌ها و نهادهای مدنی در گردهم‌آیی‌ها و پویش‌های اجتماعی، کمک فراوان کرد. جوانان مصر به عنوان بخشی از "شهروندان جهان" به کمک ارتباطات دیجیتالی و سایبری و ماهواره‌ای، پیام‌های خویش را در جهان دامنگستر کردند و از همدلی و همگامی مردم جهان، در آسیا، اروپا، آفریقا و آمریکا برخوردار شدند. اگر چه فیلترینگ اینترنت در مصر و برخی از کشورهای خاورمیانه با در نظر گرفتن ظرفیت‌های فنی کار لغوی پیش نیست، اما حکومت سوریه در پی چاره‌جویی از سرایت جنبش‌ها به این کشور، به سرعت فیلترینگ "فیس بوک" و "یوتیوب" را لغو کرد. از یاد نبریم که دولت‌ها در جنبش‌های ملی مصر، تونس، یمن و الجزایر، ارتباطات جهانی با مردم معترض را تا حدودی دچار اختلال کردند، اما این ارتباطات زنده و مستقیم را هرگز میان مردم جهان و ملت‌ها به ویژه ملت مصر که در قاهره، اسکندریه، سوئز و شهرهای دیگر به پاخاسته بودند، قطع نکردند. خبرنگاران شبکه‌های تلویزیونی پربیننده و معتبر بین‌المللی و روزنامه‌نگاران، لحظه به لحظه ملت‌های جهان را از نزدیک در جریان تحولات تاریخی جنبش‌های تونس، مصر، یمن و الجزایر قرار داده و می‌دهند، اما حکومت‌ها متعرض کار آنان نمی‌شوند.

۱۰. فرجام سخن این که اگر حکومت‌های خاورمیانه به صدای مردمی که خواهان تغییر و اصلاحات بنیادین دموکراتیک هستند گوش نسپارند، مردم خاورمیانه آنان را مجبور به این کار خواهند کرد، همچنان که مردم مصر و تونس چنین کردند.